



«شب یلدا»

پدیدآور: احمدرضا احمدی

ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

تعداد صفحات: ۳۲ صفحه

این اثر ضمن معرفی شب یلدا و برخی ویژگی‌ها، آداب و رسومش به مخاطب کودک، به زیبایی، با لطافت و بیانی غیرمستقیم حامل یک پیغام مهم است؛ اینکه هر کس بداند، آنچه که دارد چقدر ارزشمند است! کودک در خواب بلند شب یلدا، در رؤیای خودش می‌بیند که اسم ندارد، به دنبال اسم خود می‌گردد، برادر می‌گوید تو دریایی، اما می‌بیند دریا چیزی نیست که دلش بخواهد باشد؛ خواهر می‌گوید تو درختی، اما می‌بیند که سکون درخت را نمی‌پسندد؛ پدر می‌گوید رود هستی، اما رود وطنی ندارد و همواره در حرکت است؛ مادر به او می‌گوید تو ستاره‌ای، اما نمی‌خواهد همچون ستاره از زمین و عزیزانش دور باشد و ... در نهایت این پدربزرگ است که با صدایی مهربان، پسرک را با نام خودش صدا می‌زند، او بیدار می‌شود و شادمان است که خودِ خودش است و نام خودش را دارد و اینگونه است که او به داشته‌اش شاد است. ...

در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

خواب می‌دیدم برف می‌بارید. پدربزرگ را کنار پنجره دیدم. خواستم پدربزرگ را صدا کنم و بگویم که با همه‌ی نام‌های خوبی که در دنیا وجود دارد، من، بی‌نام مانده‌ام ... اما، در همین هنگام با صدای گرم پدربزرگ از خواب بیدار شدم ... پدربزرگ من را صدا می‌کرد؛ من را با نامه واقعی خودم صدا می‌کرد؛ من را با نامی که دوست داشتم و خودم بودم صدا می‌کرد ... (ص ۲۸ و